

## اَفتیمون، گیاهی دارویی، انکل و از خانواده سِس

زهره ابوالحسن زاده\*، پویا فریدی

دبیرخانه دایره المعارف پزشکی اسلام و ایران، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران

اَفتیمون با نام علمی کوسکوتا اپیتیموم *Cuscuta epithymum* از خانواده سِس Cuscutaceae است (غافقی، شرح مایرهوف و صبحی، ج ۱، جزء ۱، ص ۱۷۹، مظفریان، ذیل «*Cuscuta epithymum*»). نام جنس از کلمه کشوث Kushooth عربی (دیموک Dymock، واردن Warden، هوپر Hooper، ج ۲، ص ۵۴۷) و صفت گونه از نام یونانی آن گرفته شده است (کندی، شرح لوی M. Levey، ص ۲۳۳). گیاهی است یکساله، بدون برگ و کلروفیل. این گیاه، انگلی بسیار مزاحم، مهاجم و دارای اشکال متفاوت است که روی گیاهان دیگر، به خصوص گیاهان علفی و اندامهای سبز آنها رشد می‌کند. اَفتیمون با ساقه‌های بسیار متعدد، منشعب، نازک و نخی، به رنگ متمایل به زرد، بر روی شاخه‌ها و اندامهای هوایی گیاهان دیگر می‌پیچد و با اندامهای مکنده‌اش، شیره پرورده را از بخشهای درونی گیاه میزبان جذب می‌کند. گل‌های کوچک، ریز و سفید، به طول تقریبی سه میلیمتر دارد که بدون پایک و به طور متراکم در گل آذینهای توده‌ای و کروی با قطر پنج تا ده میلیمتر می‌رویند. فلسهای آن کوتاه‌تر از بخش لوله‌ای، چمچه‌ای، شرابه‌ای، با سرهای به هم آمده است. کاسه گل هم قد جام یا کمی کوتاه‌تر از آن، گاهی ارغوانی فام، با لبه‌های مثلثی نوک تیز است. جام، لوله‌ای استوانه‌ای و لبه‌هایی کوتاه‌تر از لوله دارد که تخم مرغی و نوک تیزند. خامه و کلالة آن دو بار بلندتر از تخمدان است. کلالة‌ای نازک و نخی، کپسول گویچه‌ای شکل و دانه‌هایی به طول تقریبی یک میلیمتر دارد که تخم مرغی شکل، فشرده و قرصی‌اند. موسم گلی‌دهی آن اسفند تا مرداد است (قهرمان، ج ۱۲، ش ۱۴۲۱).

نامها. نامهای آن را اَفتیمون (ـ جرجانی، ص ۲۷۴، ۶۱۰؛

رازی، ج ۲، ص ۵۱)، به رومی بَتمون اَبتیمون (ابوریحان بیرونی، ص ۶۵؛ دیوسکوریدوس، ص ۳۶۷)، اَفتیمون (کندی؛ ابوریحان بیرونی، همانجا؛ بن‌مراد، ج ۲، ص ۱۰۰)، به عربی شجر الصَّبع (ناظم جهان، ج ۱، ص ۱۷۰)، عربی آن صُعَيْتَرَه، فارسی آن شرتین (اشبیلی، ج ۱، ص ۶۶) نوشته‌اند. در بعضی منابع فارسی آن را کشوثا/ کشوث هم نامیده‌اند (ـ هوپر، ص ۱۱۰؛ غافقی، شرح مایرهوف و صبحی، ج ۱، جزء ۱، ص ۱۸۱؛ کندی، همانجا). ولی کشوث که بیشتر از تخم آن یاد می‌شود، گیاهی دیگر از همین جنس و بسیار شبیه به آن است (ـ حکیم مؤمن، ص ۲۲۱؛ جرجانی، ص ۶۲۴).

اَفتیمون نامی یونانی به معنای دواء الجنون است (حکیم مؤمن، ص ۲۸). امروزه در فارسی آن را سس آویشنی می‌نامند. معادل انگلیسی آن دودر Dodder است (مظفریان، همانجا).

این گیاه تقریباً در تمام اروپا از کناره‌های ساحلی تا نواحی کوهستانی یافت می‌شود. پراکنش عمومی آن نواحی مدیترانه است (چیچ Chiež، ش ۱۰۶). رویش این گیاه در ایران، در ناحیه البرز، همدان، شاهکوه اصفهان، کازرون، بندرعباس، جزیره هرمز، قشم، کرمان و تهران است (قهرمان، همانجا).

از تمام اندامهای این گیاه (ساقه، گل و تخم) در طب سنتی استفاده شده است. قدرت آن گرم و خشک در درجه سوم (جرجانی، ص ۶۱۰)، یا در سوم گرم و دوم خشک (حکیم مؤمن، همانجا)، یا گرم در دوم یا سوم و خشک در سوم یا اول (انطاقی، ج ۱، ص ۷۲) و یا گرم در سوم و خشک در آخر اول است (عقیلی علوی شیرازی، مخزن‌الادویه، ص ۱۴۳). مهم‌ترین خاصیت آن ایجاد اسهال، سودا و بلغم است (انصاری شیرازی، ص ۳۴).

از حب آفتیمون برای درمان مالیخولیای ناشی از سودای محترق و سودای طبیعی استفاده می‌شد. سَفوف (شکل پودر شده گیاه) برای درمان وسواس، وحشت، خبث (ناپاکی) نفس و جنون، مُقوی سر، قلب و معده؛ سکنجبین آفتیمون برای کَلَف (کک و مک)؛ طبوخ آن در صرع و نسیان سوداوی؛ معجون مالیخولیا و جنون و بیهوشی و نسیان آن برای رب آن مسهل مرّه سودا (صالح هروی، ص ۱۰۱)؛ مُغلی (جوشانده) برای مالیخولیای مراقبه (نوعی مالیخولیا که گردن صاحب مرض به علت تصاعد ابخره (بخارها) ستر می‌شود) مفید بوده است (عقیلی علوی شیرازی، قراپادین کبیر، ص ۶۳۲-۶۴۱)؛ مسهل آن جهت رفع طاعون، رُبع، استسقا، سموم قَتاله و دفع اخلاط سمی و مالیخولیا و مانیای و امراض دماغی؛ روغن آن برای جمیع امراض داخلی و خارجی و انواع سرطان و جراحتهای اِطْرِیْقَل آفتیمون (دوای مرکب از سه جزء یا بیشتر) برای تنقیه دماغ، مالیخولیا و جنون و امراض بارده دماغ و جلوگیری از سفید شدن زودرس مو به کار رفته است (صالح هروی، ص ۱۶، ۱۰۵، ۲۸۹). برخی منابع ذکر کرده‌اند که هیچ دارویی بهتر و نافع‌تر از آن برای مالیخولیا و امراض سوداوی نیست (عقیلی علوی شیرازی، مخزن الادویه، همانجا).

سایر کاربردهای سنتی آن عبارتند از: بادشکن، موافق مزاج پیران (جرجانی، همانجا؛ عقیلی علوی شیرازی، مخزن الادویه، همانجا)، تب بر (کندی، شرح لوی، ص ۲۳۳-۲۳۴)، محلّل و ملطّف، منقه معده (حکیم مؤمن، همانجا) و مفتّح سدد. مفید برای کابوس و وسواس سوداوی و فالج (فلج نیمه بدن) و لقوه (کجی دهان) و خَدَر (کرخی، بی‌حسی؛ عقیلی علوی شیرازی، مخزن الادویه، همانجا) و تُرنجیدگی (در هم کشیده و فشرده

## منابع

شدن) مفاصل (ابن سینا، ج ۲، ص ۶۶). مُسَخَّن و مُجَفَّف (گرم و خشک) در درجه سوم (ناظم جهان نقل از جالینوس، همانجا؛ عقیلی علوی شیرازی، قراپادین کبیر، ص ۶۳۱). مضر برای گرم مزاجان، مورث (برانگیزاننده) غشی و مصلح آن بنفشه است (حکیم مؤمن، همانجا). برای ریه مضر و مصلح آن کتیرا (انطاکی، همانجا) و صمغ عربی است (عقیلی علوی شیرازی، مخزن الادویه، ص ۱۴۴).

مقدار شربت مفرد آن از دو درم سنگ تا سه و مطبوخ از پنج تا ده درم سنگ بوده است. بدل آن در اسهال سوداوی به میزان مساوی انزروت (هروی، ص ۱۸) و بعضی گویند اُسْطُوخودوس (انصاری شیرازی، همانجا) یا یک وزن و نیم آن حاشا (آویشن) یا مثل آن (ابن سینا، همانجا؛ عقیلی علوی شیرازی، مخزن الادویه، همانجا؛ هروی، همانجا) یا دو دانگ او تُرْبُد / تُرْبِد (دوایی مسهل) است (حکیم مؤمن، همانجا) چون آفتیمون لطیف و دارای ترکیب ضعیف است، آن را نباید بسیار نرم کوبید و زیاد جوشاند چون اثر آن را از بین می‌برد (ابن بیطار، ج ۱، ص ۴۰-۴۱؛ ناظم جهان، ج ۱، ص ۱۷۱).

داروشناسی جدید: امروزه از این گیاه به عنوان مُلین، صفراآور، ضدنفخ و پاک‌کننده زخم استفاده می‌شود، همچنین در یبوست ناشی از ضعف روده توأم با مشکلات صفراوی نیز کاربرد دارد (والنت، همانجا). مصرف فراورده های حاوی گیاه مذکور برای افراد مبتلا به بواسیر ممنوع است؛ زیرا به دلیل داشتن ترکیبات آنتراسنوزیدی سبب هدایت خون به نواحی احشایی می‌شود (چیچ، همانجا؛ برای آگاهی از ترکیبات شیمیایی این گیاه ← دیموک، واردن، هوپر، ج ۲، ص ۵۴۸؛ والنت، ج ۲، ص ۱۷۳؛ سلطانی، ج ۲، ص ۴۱۷).

۱. گیاهان دارویی سودمند ایران و عراق، دیوید، هوپر موسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، (لوح فشرده)، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ عقیلی خراسانی، مخزن الادویه، (کلکته ۱۸۴۴ م)، تهران ۱۳۷۱ ش.
۳. همو، قراپادین کبیر، انتشارات کتابفروشی محمودی، تهران ۱۳۷۸ ش.
۴. ابوریحان بیرونی، صیدنه فی الطب، ترجمه باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان ادب فارسی، تهران ۱۳۸۳ ش.
۵. داوود بن الضریح انطاکی، تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب، چاپ محمد مهدی اصفهانی، تهران ۱۳۸۳ ش.

۶. محمد مومن حسینی، تحفه حکیم مومن، (لوح فشرده)، نسخه خطی متعلق به اداره اوقاف، ۱۳۴۱ ق.
۷. محمدبن زکریای رازی، الحاوی، ترجمه دکتر سلیمان افشاری پور، جلد بیستم، فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۸. ابوالخیر الاشبیلی، عمده الطیب فی المعرفة النبات، موسسه مطالعات تاریخی پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایرانی، تهران ۱۳۸۴ ش.
۹. دیوسکوریدوس، هیولی الطب فی الحشایش و السموم، ترجمه اصطفین بن سبیل و اصلاح حنین بن اسحاق، چاپ سزار، دوبلر و الیاس ترس، تطوان ۱۹۵۲ م.
۱۰. ولی الله مظفریان، فرهنگ نامهای گیاهان ایران، تهران ۱۳۷۵ ش.
۱۱. فلور ایران، موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، تهران ۱۳۷۱ ش.
۱۲. روبرتوچیچ، فرهنگ مصور گیاهان دارویی، ترجمه و اضافات احمد امامی، محمدرضا شمس اردکانی و ایرج مهرگان، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۶۳ ش.
۱۳. موفق الدین ابومنصور علی هروی، الانبیه، عن حقایق الادویه، چاپ احمد بهمینار و حسین محبوبی اردکانی، تهران ۱۳۷۱ ش.
۱۴. حکیم محمد اعظم خان، محیط اعظم، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. ژان ولنه، گیاه درمانی، درمان بیماریها توسط گیاهان، ترجمه احمد امامی، محمدرضا شمس اردکانی، نسیم نکوینی نائینی، انتشارات سبز آونگ، تهران ۱۳۸۳ ش.
۱۶. ابومحمد عبدالله بن احمد بن البیطار، الجامع لمفردات الادویه و الاعذیه، بیروت ۱۹۹۲ م.
۱۷. ابن سینا، القانون فی الطب، کتاب دوم، ترجمه فارسی عبدالرحمن شرفکندی، تهران ۱۳۶۲ ش.
۱۸. سید اسماعیل جرجانی، الاغراض الطبییه و المباحث العلائیه، تصحیح دکتر حسن تاجبخش، دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم، ۱۳۸۴ ش.
۱۹. محمد صالح قاینی، قراپادین صالحی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی - مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران ۱۳۸۳ ش.
۲۰. علی بن حسین انصاری شیرازی، اختیارات بدیعی، قسمت مفردات، تصحیح دکتر محمد تقی میر، ناشر شرکت دارویی پخش رازی، تهران ۱۳۷۱ ش.
۲۱. ابوالقاسم سلطانی، دایرةالمعارف طب سنتی گیاهان دارویی، جلد دوم، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران و موسسه مطالعات تاریخ پزشکی طب اسلامی و مکمل، گروه گیاهان دارویی، تهران ۱۳۸۴ ش.
۲۲. ابراهیم بن مراد، فرهنگ مصطلحات پزشکی غیرعربی در کتب پزشکی و داروسازی عربی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران ۱۳۸۴ ش.

23. Yaqub b, Ishaq al – kind, the Medical Formulary or Aqrabadhin of Al – Kindi, ed. And tr. M. Levey, Madison 1966.

24. William Dymock, C. J. H. warden, David Hooper, Pharmacographia Indica. Vol. II, London. 1893.

